




دور دوم جنک؛ قطع اینترنت

مجموعه پیام‌های تبیینی
پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴



 payamenehzat.ir

 @ paiamenehzat

فهرست

پیام اول	۴	اینترنت در بحران، از فناوری ارتباطی به تکنولوژی جنگی تغییر ماهیت پیدا می‌کند.
پیام دوم	۵	قطع اینترنت، امکان رصد و کنترل رفتار و ذهنیت جامعه ایران را از دشمن گرفته است.
پیام سوم	۶	احساس بلاتکلیفی مردم درباره‌ی وضعیت اینترنت، خوشایند نیست.
پیام چهارم	۷	فوائد قطع شدن مقطعی اینترنت بر هزینه‌های آن غالب است.
پیام پنجم	۸	در دهه ۹۰ زیرساخت‌های کشور با منافع غرب گره زده شد.
پیام ششم	۹	در شرایط فقدان حاکمیت ملی بر فضای مجازی، ذهنیت جامعه در اختیار دشمن است.
پیام هفتم	۱۰	حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴، فرصتی ملی برای ساماندهی فضای مجازی است.
پیام هشتم	۱۱	در بحران، مدیریت سلبی فضای مجازی امری متداول و اجتناب ناپذیر است.
پیام نهم	۱۲	موتور محرک جریان آشوب با قطع اینترنت، زمین‌گیر شد.
پیام دهم	۱۳	زندگی و اقتصاد مردم را خودمان به بسترهای تحت قدرت دشمن گره زدیم.
پیام یازدهم	۱۴	با قطعی کلی اینترنت تعامل ظرفیت‌های مردمی برای دفاع از انقلاب نیز مختل شده است.
پیام دوازدهم	۱۵	کسانی که با ساماندهی به فضای مجازی مخالفت کردند، باید پاسخگوی وضعیت امروز باشند.
پیام سیزدهم	۱۶	ارز ترجیحی، رهاشدگی فضای مجازی و شرطی‌سازی امور به اراده خارجی بستر نارضایتی‌ها بودند.
پیام چهاردهم	۱۷	برای مواجهه با سونامی دروغ پراکنی، باید از هم اکنون صدروایت‌هایشان را در جامعه تثبیت کرد.

اینترنت پدیده‌ای است که در بحران، از فناوری ارتباطی به تکنولوژی جنگی تغییر ماهیت پیدامی کند.

اینترنت پدیده‌ای است که در اثناء جنگ جهانی دوم، زیرنظر نیروهای نظامی ایالات متحده خلق شد و سرنوشت جنگ را با اطلاعات رمزگذاری شده‌ای که کشف می‌کرد، تغییر داد. فناوری‌های ارتباطی برپایه اینترنت، کارکردهای متنوعی برای توسعه رفاه بشری دارند، اما این تنها یک طرف سکه است، طرف دیگر، به کارکردهایی مربوط است که امنیت جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند



و دستاوردهایی سیاسی و حتی جنگی دارند.

لذا نباید اینترنت را یک پدیده تک بعدی در نظر گرفت، اینترنت ماهیتی چندبعدی و متغیر دارد که در میان این ابعاد، بعد نظامی و امنیتی آن در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد، همانطور که ایالات متحده به عنوان قدرت اول فناوری‌های ارتباطی در جهان، مدیریت اینترنت را برعهده نهادهای نظامی خود قرار داده است و هرگونه تصمیم‌گیری درباره امروز و فردای این حوزه را به آنها سپرده است. بنابراین اینترنت، فارغ از اینکه ماهیتی متغیر دارد، مستقیماً ایالات متحده برای آن تصمیم می‌گیرد که در شرایط زمانی و مکانی کشورها و ملت‌ها، کدام بعد از اینترنت، برایشان بیشتر فعال شود. ما در شرایطی قرار گرفته‌ایم که اینترنت در کشورمان، دائماً در حال تغییر عملکرد است، گاهی به شدت سیاسی-امنیتی می‌شود، به حدی که امنیت اجتماعی و افکار عمومی جامعه را دچار دگرگونی می‌کند و گاهی نیز ابعاد اقتصادی و رفاهی آن توسعه می‌یابد که کارکردهایی رضایت بخش دارد.

بنابراین، باتوجه به اینکه ما در یک جنگ ترکیبی قرار گرفته‌ایم و عنصر اصلی آن به اینترنت متکی است، لازم است توجه داشته باشیم که قطع اینترنت، به مثابه قطع بازوی عملیاتی دشمن عمل می‌کند و اگرچه از نظر اقتصادی و رفاهی، برای ما چالش‌هایی به دنبال دارد، اما در شرایط فعلی که استیلاء همه جانبه دشمن بر فضای اینترنت حاکم است، تصمیم دیگری وجود ندارد که بتواند امنیت و وحدت جامعه را تضمین نماید.

۵۵

ایالات متحده

به عنوان قدرت

اول فناوری‌های

ارتباطی در جهان،

مدیریت اینترنت را

برعهده نهادهای

نظامی خود قرار

داده است و هرگونه

تصمیم‌گیری درباره

امروز و فردای

این حوزه را به آنها

سپرده است.

قطع اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، امکان رصد و کنترل رفتار و ذهنیت جامعه ایران را از دشمن گرفته است.



اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، خصوصاً در شرایط امنیتی و بحرانی، نه تنها خنثی عمل نمی‌کنند، بلکه به منظور مدیریت افکار عمومی، کاملاً جهت‌دار و هدفمند فعال هستند. اما فارغ از پروژه‌ها و

برنامه‌های خصمانه‌ای که دشمن از بستر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اجرا می‌کند، کارکرد دیگری نیز برای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی وجود دارد که برای دشمن ذهنیت‌سازی کرده و وضعیت فکری و رفتاری جامعه ایران را نشان می‌دهد. این کارکرد به دشمن کمک می‌کند تا دائماً نقشه خود را اصلاح کرده و ارتقاء ببخشد. در واقع اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در جهان امروز، کارکردی دو سویه دارند، از طرفی محتوا طبق الگوریتم‌های توسعه یافته با هوش مصنوعی، در جامعه و ایرال می‌شود و از طرفی دیگر، رفتارها و ذهنیت‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی و اینترنت از طریق الگوریتم‌های توسعه یافته با هوش مصنوعی، برای دشمن کشف می‌شود. لذا دشمن در چنین شرایطی، می‌تواند همه چیز را کنترل کند، اینکه در چه زمانی، در چه لوکیشن‌هایی، در چه گروه‌های سنی‌ای، با چه باورها و ذهنیت‌هایی، چه تعاملی با محتواهای و ایرال شده انجام گرفته است و در نتیجه تمام این تحلیل و بررسی‌ها، باید برای پیشبرد پروژه خودش چه تصمیمی بگیرد.

امروز قطعی اینترنت، دشمن را با فقر اطلاعاتی مواجه کرده است و امکان قضاوت درباره اینکه جامعه ایران در چه شرایطی قرار گرفته است را از او سلب کرده و نمی‌تواند مبتنی بر کلان داده و آنالیزهای دیجیتال از رفتار جامعه، به تصمیم برسد. لذا فارغ از اینکه جامعه ایران را نمی‌شناسد، تنها الگوی شناختی خود را که برگرفته از الگوریتم‌های توسعه یافته با هوش مصنوعی است نیز از دست داده. به همین جهت دشمن امکان تداوم مدیریت اغتشاشات را ندارد و نمی‌تواند مراحل بعدی پروژه‌اش را به درستی اجرا کند.



امروز قطعی

اینترنت، دشمن را با

فقر اطلاعاتی مواجه

کرده است و امکان

قضاوت درباره اینکه

جامعه ایران در چه

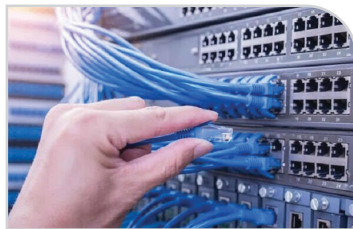
شرایطی قرار گرفته

است را از او سلب

کرده

احساس بلاتکلیفی مردم درباره‌ی وضعیت اینترنت، خوشایند نیست.

مسئولان امنیتی کشور به درستی و مبتنی بر تشخیص مخاطرات امنیتی که اینترنت بین‌المللی و سکوه‌های اینترنتی بیگانه برای کشور ایجاد می‌کند، از هجدهم دی‌ماه دسترسی به این موارد را به کلی قطع کرده است. این تصمیم در کوتاه‌مدت معقول و منطقی است و افکار عمومی جامعه با مشاهده‌ی گستره‌ی غیرقابل کنترل



خشونت و ناامنی در صورت باز بودن اینترنت، با این تصمیم همراهی و پذیرش داشته است. با این حال، جامعه در مورد بازه‌ی زمانی که این تصمیم تداوم و استمرار خواهد یافت، هیچ تصویری ندارد و هیچ گفتگویی در این زمینه از سوی مسئولان کشور با مردم صورت نگرفته است. فقدان گفتگو با مردم در مورد چرایی و دلایل این تصمیم و میزان تداوم این تصمیم، نوعی «بلاتکلیفی» را آحاد جامعه به وجود آورده است. جامعه هم‌چنان‌که با این تصمیم در کوتاه‌مدت همراهی نشان داده و آن را پذیرفته است، اگر دلیل و برهان روشنی برای استمرار آن بشنود، با شکیبایی و صبوری بیشتری همراهی خواهد کرد.

به هر حال، بخشی از کسب و کارهای اقتصادی و ارتباطات اجتماعی و انجام بسیاری از فعالیت‌های روزانه‌ی مردم با اینترنت بین‌المللی و سکوه‌های اینترنتی بیگانه گره خورده است. فارغ از اینکه پس از حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴، کدام نظر کارشناسی و چه تصمیم سیاسی درباره‌ی بازگشایی اینترنت بین‌المللی و سکوه‌های اینترنتی بیگانه صحیح است، اصل گفتگو با مردم و بیان حدود کلی بازه‌ی که اینترنت به همین وضعیت باقی خواهد ماند و توضیح شرایط و دلایل این محدودیت‌ها یک ضرورت اساسی در شرایط کنونی کشور محسوب می‌شود. باید با مردم حرف زد و با تبیین شرایط و دلایل، مردم را شریک قابل‌اعتمادی در اداره‌ی کشور در این شرایط امنیتی به حساب آورد. بیان منطقی و معقول دلایل محدودیت‌های به وجود آمده، پشتیبانی مردم از این تصمیم را به همراه خواهد داشت، و بالعکس، بلاتکلیفی و بی‌اطلاعی، بخش‌هایی از مردم که فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی‌شان با اینترنت و سکوه‌های اینترنتی گره خورده است، عصبانی خواهد کرد و این بر پیچیدگی شرایط خواهد افزود. در صورت عدم گفتگو با مردم، محدودیت اینترنت خود می‌تواند بستر اعتراضات و مخاطرات امنیتی جدیدی در کشور بشود.

فوائد قطع شدن مقطعی اینترنت بر هزینه‌های آن غالب است.



امروز اینترنت بین المللی در کشور قطع شده است، اما تمام زیرساخت‌های اصلی کشور فعال هستند و حمل و نقل اینترنتی، نقل و انتقالات بانکی و مهم‌ترین سامانه‌های کشور، بدون هرگونه اختلالی فعال هستند و حتی دانشگاه‌ها نیز فعالیت‌های آموزشی خود را از بستر اینترنت ادامه می‌دهند.

در این میان اما آنچه با قطعی اینترنت دچار اختلال جدی شده است، کسب و کارهای وابسته به اینترنت هستند. کسب و کارهایی که بدون اینترنت نمی‌توانند هیچگونه فعالیتی داشته باشند و دچار ضرر و زیان می‌شوند. این ریسک بیزینس‌های اینترنتی در ایران است که علاوه بر تحریم‌های ظالمانه‌ای برای آنها پیش می‌آید، همواره در معرض تهدید دشمن نیز هستند و مجبورند در فضایی اشتراکی کار کنند که گاهی غلبه سیاسی-امنیتی پیدا می‌کند و ضرورت قطعی اینترنت را پیش می‌آورد. ضرورتی که اگرچه کسب و کارهای آنلاین را با خسارت مواجه می‌کند، اما ضامن بقاء آنهاست، چراکه دشمن در حال اجراء نقشه‌ای است که امنیت ملی را تهدید می‌کند و هدفش از بین بردن قدرت ایران است و در این مسیر استثنائی قائل نمی‌شود که بخواهد کسب و کارهای آنلاین را به حال خود واگذارد. به همین جهت، هزینه‌های کوتاه مدتی که برای بیزینس‌های آنلاین ایجاد می‌شود، مانع از هزینه‌های سنگین‌تری خواهد شد که می‌تواند جان افراد بی‌گناه را بگیرد و موجودیت ایران را تهدید کند.



دشمن در حال

اجراء نقشه‌ای

است که امنیت

ملی را تهدید میکند

و هدفش از بین

بردن قدرت ایران

است و در این

مسیر استثنائی

قائل نمیشود که

بخواهد کسب و

کارهای آنلاین را به

حال خود واگذارد.

در دهه ۹۰ زیرساخت‌های کشور با منافع غرب گره زده شد.



حوادث سال ۱۴۰۱ و اینک حوادث دی ماه ۱۴۰۴، تلنگری است تا قدری عمیق‌تر به بسترهای زمینه‌ساز تحولات اجتماعی کشور ببینیم. در این زمینه، نگاه تاریخی به روند تحولات اجتماعی می‌تواند کمک‌کننده باشد. روند کلی و خط اصلی تحولات اجتماعی در ایران پس از انقلاب، «رشد و تعمیق دینداری» مردم بوده است که شواهد

فراوانی در تایید آن می‌توان برشمرد، اما در عین حال، به موازات این خط اصلی، نمی‌توان از روندهای ناهمسو و ضدارزشی که در بستر جامعه‌ی ایران به وجود آمد، چشم پوشید. بخشی از ساختار اجتماعی کشور بعد از دوران دفاع مقدس تحت تأثیر تهاجم فرهنگی دشمن و بسترهای فرهنگی که دولت‌های غرب‌گرا ایجاد کردند، دچار واگرایی فرهنگی و دگرگونی ارزشی شد. این واگرایی و دگرگونی ارزشی را می‌توانیم به اختصار ذیل عنوان «گرایش به غرب» یا «غرب‌گرایی فرهنگی» تبیین کنیم که با فراز و نشیب‌هایی در دهه‌ی هشتاد نیز تداوم یافت. اما در دهه‌ی ۹۰، تحولات فرهنگی و اجتماعی همسو با تحولات فرهنگی و اجتماعی دنیای غرب، شتاب ویژه‌ای پیدا کرد که غیرقابل مقایسه با دهه‌های پیشین است.

آنچه از دهه‌ی ۹۰ به این سو شاهد آن هستیم، پدیده‌ای نیست که صرفاً با عنوان «گرایش به غرب» بتوانیم آن را توصیف کنیم. پدیده‌ی نوظهوری که خصوصاً از میانه‌های دهه‌ی نود با آن مواجه هستیم، نوعی «پیوند با غرب» است؛ یعنی بسترها و زیرساخت‌های اجتماعی در کشور به وجود آمده که تحولات فرهنگی و اجتماعی کشور را به فرآیند «جهانی شدن» پیوند زده است. جهانی شدن که معنای حقیقی آن «جهانی‌سازی فرهنگ غربی» به خصوص در عرصه‌ی سبک زندگی است، در دهه‌ی ۹۰ شتاب یافته است. حیرت‌انگیز و چشمگیر بودن تغییر مظاهر فرهنگی در یک دهه‌ی اخیر را در همین نکته می‌توان جستجو کرد. یکی از مهمترین بسترهای پیوند زدن سبک زندگی جامعه ایران به فرهنگ مصرف و سبک زندگی جوامع غربی، قرار دادن بی‌قاعده‌ی جامعه‌ی ایران در مدار «حکمرانی مجازی جهانی» بود. برجام یک قرارداد سیاسی بود، ولی پیوست‌های فرهنگی و اجتماعی نانوشته‌ای هم داشت؛ اتصال ایرانیان به حکمرانی مجازی جهانی را می‌توان یکی از ارکان اصلی پیوست فرهنگی و اجتماعی برجام به حساب آورد.

در شرایط فقدان حاکمیت ملی بر فضای مجازی،

ذهنیت جامعه در اختیار دشمن است.



گذار آمریکا از استعمار نو به سوی استعمار فرانو یکی از پدیده‌های مهم تحولات بین‌المللی دهه‌های اخیر بوده است. اگر در استعمار کهن و استعمار نو، تسلط بر سرزمین و تسلط بر منابع کشورهای مستعمره از طریق نظامی و سیاسی موضوعیت داشت، در استعمار فرانو (اشغال سرزمین ذهن) جوامع موضوعیت دارد. آمریکا و قدرت‌های غربی به این نتیجه رسیده‌اند که اگر بر ساختار ادراکی و شناختی جوامع مسلط شوند، نخبگان و مردم آن جوامع، به دست خود و با کمترین هزینه، سرزمین و منابع خود را تسلیم خواهند کرد. رشد علمی مانند روان‌شناسی اجتماعی و علوم اجتماعی محاسباتی و ارتقای توان تحلیل

پایگاه‌های بزرگ داده و اخیراً افزوده شدن ظرفیت هوش مصنوعی به آن، قدرت آمریکا را در مدیریت افکار عمومی بسیار بالا برده است. اگر دو دهه قبل با پدیده‌ی «انقلاب‌های رنگی» مواجه بودیم، امروز با سازوکارهای ترکیبی و پیچیده‌تری مواجهیم که ساختار ادراکی جوامع هدف را نشانه می‌گیرد. در وضعیت «جنگ شناختی» امروز، رسانه صرفاً پیوست جنگ سیاسی و جنگ نظامی نیست، رسانه‌ی میدان‌دار اصلی جنگ است. جمله‌ی تکان‌دهنده‌ی رهبر انقلاب در پیامی خطاب به رئیس رسانه‌ی ملی به خوبی عرصه‌ی این کارزار را ترسیم می‌کند: «امروز پیروزی یک طرف را توانایی او در گرفتن و رساندن پیام و روایت او از واقعیت، رقم می‌زند؛ بسیار پیش و بیش از آنکه ابزارهای نظامی وارد میدان شوند و در آن اثر بگذارند». اتفاق تاشف‌باری که در وسط معرکه‌ی شناختی با آمریکا با آن مواجه هستیم، «فقدان حاکمیت ملی بر فضای مجازی» است که افکار عمومی جامعه‌ی ایران را در اختیار دشمن قرار داده است. دشمن با استفاده از الگوریتم‌های فضای مجازی، میدان گسترده‌ای از داده‌های اجتماعی مردم ایران را در اختیار دارد و با داشتن نبض جامعه‌ی ایران در فضای مجازی، مجموعه‌ای از عملیات ادراکی و شناختی را بر روی ذهنیت جامعه‌ی ایران اجرا می‌کند. با سوق دادن بی‌قاعده و بی‌حساب عموم مردم ایران به سمت سکوه‌های اینترنتی بیگانه، بستر تعریف مسائل ادراکی و شناختی جامعه به دشمن واگذار شده است.

حوادث دی ماه ۱۴۰۴، فرصتی ملی برای ساماندهی فضای مجازی است.

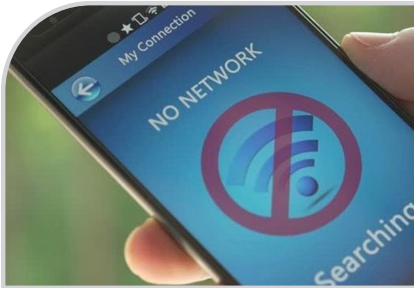
کشور هزینه‌ی سنگینی را در قبال حوادث دی ماه ۱۴۰۴ پرداخت کرده است؛ از خون‌های پاک‌ی که ریخته شد و جان عزیز نیروهای انتظامی و بسیجی و مردم عادی که در این حوادث فدا شدند، تا هزینه‌های سنگینی که تخریب اموال عمومی کشور ایجاد کرد و هزینه‌های اجتماعی که شاید تا سال‌ها در افکار عمومی کشور باقی بماند. اگر روزگاری در مورد عواقب و لنگاری فضای مجازی حرف‌هایی مطرح می‌شد و جدی گرفته نمی‌شد، اینک و پس از یک دهه تجربه‌ی ضعف حاکمیت در حوزه‌ی فضای مجازی، پیامدهای سنگین سیاسی و اجتماعی را در خیابان‌ها پرداخت می‌کنیم. مسئله‌ی حاکمیت بر فضای مجازی، دیگر مشکلی در کنار سایر مشکلات نیست و تبدیل به مسئله‌ی اصلی امنیت ملی ایران شده است، تا آن‌جا که برای حفظ امنیت ملی کشور در شرایط کنونی، مهم‌ترین ابزار مهار وضعیت اجتماعی که از سوی شورای امنیت تدبیر شده است، کنترل بر فضای مجازی است.

از حوادث سال ۱۴۰۱ تا حوادث سال ۱۴۰۴، بر همگان ثابت شده است که مسئله‌ی حاکمیت بر فضای مجازی، معامله بر سر «موجودیت ایران» است. اکنون که مردم ایران شدت جراحات و ضربه‌های امنیتی فقدان حکمرانی مجازی در کشور را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند، یک فرصت اجتماعی و ملی برای اتخاذ تصمیم‌های بزرگ در این زمینه به وجود آمده است. فضای روحی و وضعیت ادراکی جامعه هیچ‌گاه تا این اندازه، آماده و مهیای تصمیم‌های ملی برای آینده‌ی این عرصه نبوده است. مردم ایران دست‌مداخله‌ی آمریکا و اسراییل را به وضوح و روشنی از مجاری سکوه‌های اینترنتی احساس کرده‌اند و اگر تا قبل از این حوادث، فضای مجازی عرصه‌ی نزاع بین گروه‌های سیاسی و اجتماعی بود، امروز دیگر هر ایرانی منصفی این حاکمیت ملی بر این عرصه را همچون «تمامیت ارضی ایران» می‌پندارد. ارزیابی نظرات کارشناسی، عبور از بی‌تصمیمی یا تشنّت در تصمیم‌گیری و اتخاذ یک «تصمیم ملی» با مشارکت مردم و گفتگوی با مردم، فرصتی است که امروز پیش روی مسئولان کشور قرار گرفته است.

۵۵

از حوادث سال
۱۴۰۱ تا حوادث سال
۱۴۰۴، بر همگان
ثابت شده است که
مسئله‌ی حاکمیت
بر فضای مجازی،
معامله بر سر
«موجودیت ایران»
است.

در بحران، مدیریت سلبی فضای مجازی امری متداول و اجتناب‌ناپذیر است.



کنترل و مدیریت فضای مجازی در بحران، امری متداول و ضروری است و توسط کشورهای پیشرفته نیز مانند چین، آمریکا و روسیه با رویکردهای متفاوت اجرا می‌شود. استفاده از سیستم نظارت متمرکز، هوش مصنوعی، ارائه محتوای رسمی، همکاری با شرکت‌های فناوری، ارائه اطلاعات مبتنی بر داده، آموزش رسانه‌ای، همچنین بکارگیری قوانین سخت‌گیرانه و نظارت سیاسی، برای اطلاعات را می‌توان از این قبیل دانست.

غفلت در مدیریت فضای مجازی در بحران‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند پیامدهای بسیار خطرناکی به دنبال داشته باشد. انتشار سریع اخبار کذب و شایعات، می‌تواند به سرعت اعتماد عمومی را از بین ببرد و منجر به ناآرامی‌ها و فتنه شود. در بحران‌های اقتصادی، شایعات درباره سقوط ارز یا کمبود کالا، می‌تواند باعث افزایش اضطراب و هجوم به بازار شود. همچنین، عدم نظارت بر فضای مجازی می‌تواند به گسترش نفرت‌پراکنی و تفرقه‌افکنی منجر شود. ترول‌ها و حساب‌های جعلی می‌توانند با انتشار محتوای تحریک‌آمیز، جامعه را دچار شکاف کنند. در نهایت، غفلت در این زمینه می‌تواند به تضعیف امنیت ملی و استقلال کشور منجر شود.

فارغ از نکات کلی مطرح شده در مدیریت بحران، کشور ایران دارای خصوصیت دیگری نیز است و آن، مسئله اساسی فراغ‌بال دشمن در بحران‌سازی در ایران است. پلتفرم‌هایی همچون اینستاگرام و تلگرام بر خلاف قوانین مصرح خودشان، با ضریب دادن به محتواهای بحران‌ساز و تبلیغ و دعوت مردم به اجتماعات و فتنه‌انگیزی، عملاً بازوی اصلی بحران‌سازی در ایران بودند و شاهد این ماجرا این است که با قطع دسترسی به این برنامه‌ها، درصد بسیار بالایی از التهابات جامعه کم شد و فضا تحت کنترل قرار گرفت.

بنابراین، مدیریت فعال و هوشمندانه فضای مجازی در بحران‌ها، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. توجه به این نکته ضروری است که مدیریت فضای مجازی در بحران‌ها، هرچند ضروری است، اما می‌تواند محدودیت‌ها و ریسک‌هایی داشته باشد. با این حال، مصلحت کلی حفظ امنیت و ثبات، از خطرات این محدودیت‌ها بیشتر است.

موتور محرک جریان آشوب با قطع اینترنت، زمین گیر

شاد

فضای مجازی به دلیل سرعت انتشار اطلاعات، دسترسی گسترده، در بحران‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بستر اصلی فتنه و شایعات باشد. اخلاک‌گرا و اغتشاش‌گرا به طور فزاینده‌ای از فضای مجازی به عنوان ابزاری کلیدی برای برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای عملیات خرابکارانه،



هم در بستر مجازی و هم در دنیای واقعی استفاده می‌کنند. از این جهت فضای مجازی، تهدیدی جدی برای امنیت ملی و ثبات اجتماعی جامعه تلقی می‌شود. استفاده از شبکه‌های پیام‌رسانی رمزگذاری شده مانند تلگرام برای هماهنگی فعالیت‌های میدانی، شامل تظاهرات، اقدامات خرابکارانه و حملات تروریستی که در واقع بستر اصلی هدایت عملیات است، در این فضا رقم می‌خورد. جذب و بسیج افراد جدید به فعالیت‌های خرابکارانه، و ترغیب انسانها به ویژه جوانان و افراد آسیب‌پذیر نیز بخشی از عملیات میدانی دشمن در این بستر است. انتشار تصاویر و ویدئوهای مرتبط با عملیات، برای ایجاد ترس و ناامنی در جامعه و افزایش فشار بر دولت و استفاده از پیام‌ها و تصاویر تحریک‌آمیز برای تشدید خشونت و رعب و وحشت و همچنین تحریک افراد به اقدام نیز در این بستر صورت می‌گیرد. در فتنه اخیر تمامی موارد مطرح شده، دارای مصادیق فراوان بود و می‌توان اینگونه ادعا کرد که موتور پیشران طراحی دشمن، همین بستر فضای مجازی بود که با قطع به موقع، از کار افتاد و در واقع، چشم فتنه کور شد. نکته حائز اهمیت نیز این بود که عملیات رسانه‌ای دشمن در بستر شبکه‌های ماهواره‌ای نیز متأثر از بستر فضای مجازی و با محوریت ارسال و دریافت ویدئوهای هدفمند و روایت‌سازی مبتنی بر اساس آن محتواها بود که با قطع این مسیر ارسال، آن چرخه نیز دچار اختلال شدید شد و عملاً کارکرد خود را از دست داد.

۵۵

جذب و بسیج

افراد جدید به

فعالیت‌های

خرابکارانه، و ترغیب

انسانها به ویژه

جوانان و افراد

آسیب‌پذیر نیز

بخشی از عملیات

میدانی دشمن در

این بستر است.

زندگی و اقتصاد مردم را خودمان به بسترهای تحت

قدرت دشمن گره زدیم.

زندگی و اقتصاد مردم را نباید به بسترهای تحت قدرت دشمن گره می‌زدیم. این وابستگی، کسب و کارهای داخلی را در معرض رقابت نابرابر قرار می‌دهد. بومی‌سازی اقتصاد مجازی، از طریق ایجاد پلتفرم‌های ملی، استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا، و ایجاد سرویس‌های ابری داخلی، می‌تواند امنیت سایبری را افزایش دهد، از آسیب‌پذیری در برابر حملات سایبری جلوگیری کند و فرصت‌های شغلی جدیدی برای مردم ایجاد کند. همچنین، این رویکرد امکان کنترل محتوا را فراهم می‌کند تا محتوای مضر و نامناسب حذف شود و ارزش‌های فرهنگی ملی و اسلامی کشور نیز ترویج یابد. علاوه بر این، بومی‌سازی اقتصاد مجازی، با کاهش وابستگی به پلتفرم‌های خارجی، استقلال اقتصادی و سیاسی را تقویت می‌کند و کشور را در برابر تحریم‌های اقتصادی مقاوم می‌سازد. بستر داخلی، به دلیل شناخت دقیق‌تر از نیازهای کاربران، می‌تواند سریع‌تر و کارآمدتر عمل کند. این بستر در شرایط بحران و تهدید هم می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و خودش به یک بحران جدید تبدیل نشود. بنابراین، ایجاد اکوسیستم ملی فضای مجازی، علاوه بر اینکه امنیت و استقلال ملی را تضمین می‌کند، زندگی و اقتصاد مردم را نیز بهبود می‌بخشد و فرهنگ کشور را ارتقاء می‌بخشد.

برای این کار، نیاز به رویکردی چندوجهی و هماهنگ وجود دارد که در این سالها باید فکر اساسی برای تکمیل آن انجام می‌شد. روش‌های فنی شامل ایجاد پلتفرم‌های ملی شبیه اینستاگرام داخلی، توسعه سرویس‌های ابری ملی و ایجاد استانداردهای امنیتی ملی برای حفاظت از داده‌ها است. این امکانات می‌توانند امنیت داده‌ها را تضمین کرده و از نفوذ و اختلال توسط عوامل خارجی جلوگیری کنند.

روش‌های اجتماعی نیز حیاتی هستند. آموزش دیجیتال و رسانه‌ای در مدارس، دانشگاه‌ها و مساجد آگاهی عمومی درباره خطرات وابستگی به پلتفرم‌های خارجی و تشویق به استفاده از ابزارهای داخلی، می‌تواند تغییر فرهنگی ایجاد کند. این امر باعث می‌شود مردم از خودمختاری دیجیتال برخوردار شوند.

همچنین روش‌های اقتصادی شامل حمایت از شرکت‌های دیجیتال داخلی، ارائه تسهیلات مالی و وام‌ها و ارائه مشوق‌های مالیاتی و.. نیز خودش نوعی سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین است. این حمایت‌ها می‌توانند باعث رشد اکوسیستم داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شوند. التهابات ایجاد شده در حوادث اخیر فرصتی است تا عملکرد خود را در این حوزه ارزیابی و به تبع بازنگری جدی کنیم و کشور را از افتادن در این مدل بحران‌های خودساخته، رهایی بخشیم.

با قطعی کلی اینترنت تعامل ظرفیت‌های مردمی برای دفاع از انقلاب نیز مختل شده است.

در دوران ناآرامی‌های دی ماه، قطعی کلی اینترنت در ایران امری ضروری به نظر می‌رسید اما در این میان قطع دسترسی به اطلاعات و امکان ارتباطات ضروری و مفید بین نیروهای مردمی را نیز به همراه داشت. کنش نیروهای مردمی



احتیاج به هماهنگی بین گروه‌های مختلف در برابر خشونت‌های فزاینده داشت که از طریق شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های مبتنی بر اینترنت انجام می‌شد. قطعی کلی اینترنت، این فرصت‌ها را از بین برد و باعث شد که اقدامات نیروهای مردمی، در برابر خشونت‌های سازمان یافته ناکارآمد شوند.

بنابراین، حکمرانی فضای مجازی باید به گونه‌ای ترمیم شود که این فرصت‌ها از دست نرود. قطعی کلی اینترنت، نیروهای مزدور وابسته به خارج را فلج کرد اما در عین حال موجب از دست رفتن ظرفیت دفاع مدنی از انقلاب نیز شد. نظام حکمرانی فضای مجازی باید سیاست‌های هوشمندانه‌ای اتخاذ کند که همزمان که امکان ارتباطات و هماهنگی مردمی را حفظ کند و در عین حال از سوءاستفاده از فضای مجازی جلوگیری کند. فقط با حفظ این دسترسی، می‌توان از ظرفیت‌های مردمی برای دفاع از انقلاب و ارزش‌های آن در برابر تهدیدات و چالش‌های تحمیلی بهره برد.

۵۵

قطعی کلی اینترنت،
نیروهای مزدور
وابسته به خارج
را فلج کرد اما در
عین حال موجب از
دست رفتن ظرفیت
دفاع مدنی از
انقلاب نیز شد.

کسانی که در سال‌های گذشته با طرح‌های ساماندهی به فضای مجازی کشور مخالفت کردند، باید پاسخگوی وضعیت امروز باشند.



Sattar Hashemi
@HashemiSattar

امروز گام اول رفع محدودیت از اینترنت را با همدلی و وفاق برداشتیم. از پیگیری رییس‌جمهور و همراهی رسانه‌ها و فعالان ممنونم و بیش از پیش به این همراهی و همدلی نیازمندیم.
این مسیر ادامه دارد...

کسانی که در سال‌های گذشته در برابر طرح‌هایی که به صیانت از فضای مجازی کشور و حفظ امنیت اطلاعات می‌پرداختند، مخالفت کردند، باید اکنون پاسخگوی وضعیت امروز باشند. این طرح‌ها، که مبتنی بر نیاز به سازگاری فضای مجازی با ارزش‌های ملی و ایجاد چارچوبی متعادل

بین آزادی بیان؛ سهولت ارتباطات و امنیت ملی بودند، مورد تندی‌های بی‌منطق و مخالفت‌های لجوجانه قرار گرفتند. این مخالفت‌ها، منجر به ایجاد بحران در فضای مجازی و همچنین موجب تضعیف ظرفیت‌های دفاعی از ارزش‌های ملی و دینی شد از سوی دیگر وضعیت نابسمان و هرج و مرج موجود در فضای مجازی به صورت همزمان بستر فعالیت دشمن و سازماندهی ذهنی و شبکه‌سازی اجتماعی برای آنها را فراهم کرد.

قطعی اینترنت در دوران ناآرامی‌ها، نشان داد که بدون چارچوب قانونی و سازماندهی شده، فضای مجازی به سرعت در دست نیروهای ناامن و دشمن خارجی قرار می‌گیرد. آنچه در گذشته به عنوان محدودیت تلقی می‌شد، امروز بیش از پیش به عنوان یک ضرورت دفاعی محسوب می‌شود. این طرح‌ها نه تنها می‌توانستند بازدید از اطلاعات امنیتی را جلوگیری کنند، بلکه امکان هماهنگی نیروهای مردمی در برابر تهدیدات را نیز فراهم می‌کردند. اما این فرصت از دست رفت، زیرا مخالفان، از اهمیت حفظ امنیت اطلاعات و سیستم‌های دیجیتال کشور بی‌خبر بودند. بنابراین، اکنون زمان آن است که آن‌ها که در گذشته مخالفت کردند، پاسخگوی نتایج این اقدامات باشند اگر در گذشته این طرح‌ها پذیرفته می‌شد، امروز شاید کشور بهتر می‌توانست در برابر تهدیدات از خود دفاع کند.



اکنون زمان آن است که آن‌ها که در گذشته مخالفت کردند، پاسخگوی نتایج این اقدامات باشند.

سیاست ارز ترجیحی، رهاشدگی فضای مجازی و شرطی‌سازی امور کشور به اراده خارجی به عنوان بستر نارضایتی‌ها در دولت یازدهم شکل گرفتند.

در دهه ۹۰، چندین عامل اصلی به شکل‌گیری بستر نارضایتی عمیق در جامعه کمک کردند. اولین و مهم‌ترین عامل، سیاست ارز ترجیحی بود که به عنوان پایه اصلی اعتراضات اقتصادی شکل گرفت. این سیاست به جای ایجاد امنیت اقتصادی، فرصتی برای فساد و سوءاستفاده از سیستم بود و موجب گسترش بی‌اعتمادی در سطح جامعه شد. تخصیص ارز ترجیحی در واقع، سیاستی مقابل هدفمندسازی یارانه‌ها بود که با هدف ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها طراحی شده بود. اما دولت وقت، این سیاست را متوقف کرد و به جای آن، از ارز ترجیحی استفاده نمود که امروز، دولت ناچار شده است بعد از گذشت بیش از یک دهه، به همان سیاست اعطای یارانه به انتهای زنجیره بازگردد که نشان‌دهنده درستی آن سیاست و عقب‌انداختن عاقدانه کشور برای سالیان متمادی است.

دومین عامل، حکمرانی نادرست فضای مجازی بود که به عنوان بستری برای شبکه‌سازی نیروهای مزدور دشمن و نارضایتی اقتصادی و اجتماعی تبدیل شد. در این دوره، فضای مجازی به طور گسترده‌ای در اختیار شبکه‌های اجتماعی خارجی مانند تلگرام و اینستاگرام قرار گرفت و سیاست دولت رونق‌گیری این شبکه‌ها با تخصیص پهنای باند نامحدود به آنها بود، این شبکه‌ها بدون قبول قوانین داخلی ایران در کشور پذیرفته شده و به آنها خدمات پهنای باند داده شد که ردپای اغراض سیاسی در انتخابات‌ها و هدایت افکار عمومی در این بسترها توسط دولت وقت قابل مشاهده است.

سومین عامل، رویکرد امید به غرب و عدم تکیه بر قدرت داخلی بود. دولت یازدهم و دوازدهم، با تأکید بر مذاکره و انتظار از جامعه جهانی برای کاهش تحریم‌ها، از ساختارهای داخلی اقتصادی و توانمندی‌های ملی دفاع نکرد. این رویکرد، نه تنها باعث شد اعتماد به توانمندی‌های داخلی کاهش یابد، بلکه احساس بی‌اعتمادی و بی‌امیدی در بین مردم ایجاد کرد. در واقع، تکیه بر غرب و انتظار از تغییرات خارجی، جایگزین اقدامات مستقل و داخلی شد. این دولت همراه بر رفع تحریم تأکید می‌کرد و آرزمان که نمی‌شد سیاست دور زدن تحریم که همان استفاده از معافیت‌های آشکار و پنهان آمریکا در تحریم است را اتخاذ کرد متأسفانه علیرغم تأکیدات پرتکرار رهبر معظم انقلاب و نیروهای دلسوز هیچ‌گاه سیاست خنثی‌سازی تحریم را در پیش نگرفت و همچنان ترجیح داد در زمین معافیت‌های آمریکا بازی کند در نتیجه دهه نود که باید دهه پیشرفت و عدالت می‌بود، دهه ازتجاج و عقب‌گرد شد، به نحوی که شر یک دهه خسارت هنوز از کشور نرفته و تلاش‌های خوب دولت سیزدهم و همچنین اقدامات مجدانه دولت چهاردهم هنوز نتوانسته عقب افتادگی‌های دهه نود را جبران کند.

برای مواجهه کارآمد با سونامی دروغ پراکنی، باید از هم اکنون ضدروایت‌هایشان را در جامعه تثبیت کرد.



با دقت در هندسه
دوره‌های گذشته
آشوب، الگوریتم
هایی که لشگر
رسانه‌ای و سایبری
دشمن طبق آن
عمل خواهند
کرد، مورد پیش
بینی قرار گرفته و
برای تصویرسازی
های احتمالی آن
ها از هم اکنون
ضدروایت‌هایشان را
در جامعه نهادینه
نماییم.

ماشین جنگ ترکیبی جریان معارض، حجم گسترده‌ای از طرح‌های خود را برای بهره‌گیری از بستر شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها آماده کرده بود که دلیل سیاست قطع اینترنت این سناریوها فعلاً در حالت انتظار قرار گرفته است. قطعاً و در روزهای آینده که وضعیت دسترسی به اینترنت در سراسر کشور به حالت گذشته بازگردد، همه این سناریوها به جریان خواهند افتاد تا بتوانند هم عرض اقدامات میدانی و سیاسی، در میدان شناختی و ادراکی به توسعه بحران در کشور بپردازند.

در این شرایط ضروری است که دلسوزان مردم و انقلاب اسلامی با آمادگی‌های افزون‌تر از وضعیت فعلی خود را برای مواجهه با موج‌های ذهنی که تدارک دیده شده است مهیا کنند. مسیر معقول‌ترین این است که با دقت در هندسه دوره‌های گذشته آشوب، الگوریتم‌هایی که لشگر رسانه‌ای و سایبری دشمن طبق آن عمل خواهند کرد، مورد پیش‌بینی قرار گرفته و برای تصویرسازی‌های احتمالی آن‌ها از هم اکنون ضدروایت‌هایشان را در جامعه نهادینه نماییم.